

این سلاح" باید به طبقه بندی جدید و صحیح‌تری یعنی به "کشورهاییکه توانایی ساختن سلاحهای اتمی را دارند، و کشورهاییکه چنین توانایی را ندارند" تبدیل شود.

۳- تجارت اسلحه که در سراسر جهان گسترش می‌یابد یکی دیگر از عوامل عدم ثبات محسوب می‌گردد. به عقیده دکتر برابانایی دستگاههای سیاسی بیش از پیش کنترل خود را نسبت به تولید این سلاحها از دست می‌دهند. وی معتقد است که تحولات فنی در تولید سلاحها به اندازه‌ای سریع است که به مسئولان سیاسی این امکان را که خود را در جریان این تحول قرار دهند نمی‌دهد و بدین ترتیب این مسئولان خواه در عرب‌خواه در شرق تحت فشار متخصصان نظامی قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر کمیسیون تسلیحات ستای آمریکا یک اعتبار ۱۰۵ میلیون دلاری را برای ادامه تحقیقات راجع به

ساختن بمب‌افکن‌های "ب-۱" که برزیدنت کارتر قبلا از تصمیم ساختن آنها منصرف شده بود، تصویب کرد این موضوع باید اکنون مورد بررسی ستای آمریکا قرار گیرد.

کمیسیون تسلیحاتی سنهام چنین اعتباری ب مبلغ ۱۰ میلیون دلار را منظور ادامه تحقیقات سال گذشته درباره اینک چه نوع هواپیمای استراتژیکی در آینده مورد نیاز آمریکا خواهد بود به تصویب رسانید.

خبرگزاری فرانسه

تلخیص از کیهان شماره ۱۰۴۵۴

مکتب اسلام

خوب ملاحظه می‌فرمایید. هر دقیقه یک میلیون دلار - ۷ میلیون تومان - و هر ۲۴ ساعت ۱۴۴۰ دلار - ده هزار میلیون تومان - در جهان خرج اسلحه می‌شود و میدانیم که دهها میلیون انسان گرسنه در سراسر دنیا، از کمبود مواد غذایی رنج می‌برند و می‌میرند.

● به انحراف اخلاقی جوانان دامن‌نزدید

با انتظار خرید بلیت ورود به سالن سینما دیده میشود بنظر من جوانی که چنین صحنه‌های هیجان‌انگیز و اندام لخت هنرپیشه‌های مکتی برگانارا می‌بند خود را در قالب شخصیت هنرپیشه فیلم احسان کرده وقتی که از سینما خارج شد

مکتب اسلام

مدتی است که نشان دادن فیلم های سکسی یا صحنه‌های عاشقانه در سینماهای تهران رواج پیدا کرده است بطوریکه همیشه مقابل سینماهای تهران صف طولی را از نوجوانان و جوانان

هشتم بن حکم

شاگردان مکتب پیشوای هفتم (ع)

مهدی پینوایی

قرن دوم هجری یکی از ادوار شکوفائی علم و دانش و تحقیق، برخوردار اندیشه‌ها، و پیدایش فرقه‌ها و مذاهب گوناگون در جامعه اسلامی بود. تا آنکه آئین اسلام از روز نخست مروج دانش و آگاهی بود، ولی در این قرن از یکسو علت آشنائی دانشمندان مسلمان با فلسفه یونان و افکار دانشمندان یونان، و از سوی دیگر بر اثر پیدایش فرقه‌های گوناگون مذهبی در داخل جامعه اسلامی، و گنگوهای علمی و مذهبی و مناظره پیرامون مباحث مختلف، به اوج گرمی و رونق رسیده بود و دانشمندان فراوانی در این زمینه برخاسته بودند که هر کدام وزنه بزرگی شمار می‌رفتند.

و چون اکثر مباحث علمی تا آن روز شکل ثابت و تدوین شده‌ای نیافته بود، زمینه برای بحث و مناظره بسیار وسیع بود. در اثر این عوامل، مناظره میان پیروان فرقه‌ها و مذاهب گوناگون اهمیت خاصی پیدا کرده بود و مناظرات ارزنده و برهنگان فراوانی رخ می‌داد که در خور توجه و جانب بود و امروز بسیاری از آنها درست است. مجموع این عوامل، مایه شکوفائی دانش و آگاهی و فهم تحلیلی مسائل در میان مسلمانان گردیده بود بطوری که برای این موضوع در کتب تاریخ اسلام جای خاصی باز شده است.

هشام بن حکم که در چنین جوی تولد و پرورش یافته بود، بحکم آنکه از استعداد شگرف و شور و شوق فراوانی برخوردار بود، بزودی جای خود را در میان دانشمندان بازکرد و در صف مقدم متفکران و دانشمندان عصر خود قرار گرفت.^۲

ولی او در این سیر علمی، هنوز گمشته خود را نیافته بود، با آنکه مکتبهای مختلف را بررسی نموده و با بزرگترین رجال علمی و مذهبی عصر خود، بحثها کرده بود هنوز به نقطه مطلوب خود نرسیده بود ولی فقط یک نفر مانده بود که هشام با او روبرو نشد، بود و او کسی جز "جعفر بن محمد" پیشوای نتم شیعیان نبود.

هشام فکرمی کرد که دیدار با او دریچه تازه ای به روی وی خواهد گشود، به همین جهت از عموی خود که از شیعیان و علاقمندان امام ششم بود، خواست ترتیب ملاقات او را با امام صادق (ع) بدهد.

داستان نخستین دیدار او با پیشوای ششم که مسیر زندگی علمی او را به کلی دگرگون ساخت شیرین و جالب است.

نخستین آشنایی

عموی هشام بنام "عمر بن زید" می گوید برادر زاده ام هشام که پیرو مذهب "جهمیه" بود از من خواست که او را به محضر امام صادق (ع) ببرم تا در مسائل مذهبی با او مناظره کند، در پاسخ وی گفتم تا از امام اجازه نگیرم اقدام به چنین کاری نمی کنم.

پس به محضر امام (ع) شرفیاب شده برای دیدار هشام اجازه گرفتم، چنانکه آنکه بیرون آمدم و چند گام برداشتم، به یاد جسارت و بی باکی برادر زاده ام افتادم و به محضر امام بازگشته جریان بی باکی و جسارت او را یادآوری کردم.

امام فرمود آیا بر من بیگناگی؟ از این اظهار شرمندگی شدم و به اشتباه خود بی پردم، آنگاه برادر زاده ام را همراه خود به حضور امام بردم، پس از آنکه وارد شده نشستیم، امام سؤالهای از او پرسید و او در جواب فرو ماند و مهلت خواست و امام به وی مهلت داد.

چند روز هشام در صدقه تهیه جواب بود و این درو آن در می زد، سرانجام نتوانست پاسخی تهیه نماید، تاگزیر دوباره به حضور امام شرفیاب شده اظهار عجز کرد و امام سؤال را بیان فرمود.

در جلسه دوم امام سئوال دیگری را که بنیان مذهب جهمیه را متزلزل می ساخت، مطرح نمود. بارهشام نتوانست از عهده پاسخ برآید، لذا با حال حیرت و اندوه جلسه را ترک گفت. او مدتی در حال بهت و حیرت به سر می برد. تا آنکه بار دیگر از من خواهش کرد که وسیله ملاقات وی را با امام فراهم سازم.

بار دیگر از امام اجازه ملاقات برای او خواستم، فرمود فردا در فلان نقطه "حیره"^۳ منتظر من باشد، فرمایش امام را به هشام ابلاغ کردم، او از فرط اشتیاق، قبل از وقت مقرر به نقطه موعود شتافت...

"عمر بن زید" می گوید بعد از هشام پرسیدم آن ملاقات چگونه برگزار شد؟ گفت من قبلاً به محل موعود رسیدم، ناگهان دیدم امام صادق (ع) در حالی که سوار بر استری بود، تشریف آورد، هنگامی که به من نزدیک شد و به رخسارش نگاه کردم چنان جذبه های از عظمت آن بزرگوار به من دست داد که همه چیز را فراموش کرده نیروی سخن گفتن را از دست دادم.

امام مدتی منتظر گفتار و پرسش من بود، این انتظار توأم با وقار، بر تحیر و خودباختگی من افزود امام که وضع مرا چنین دید یکی از کوجه های حیره را در پیش گرفت و مرا به حال خود گذاشت^۴

در این جریان چند نکته جالب وجود دارد

نخست وجود نیروی مناظره فوق العاده در هشام است بطوری که ناقل قضیه از آن بیم داشته و از توانایی او در این فن بعنوان جسارت و بی باکی نام می برد، حتی (غافل از مقام بزرگ امامت) از رویارویی او با امام احساس نگرانی می کند و مطلب را پیشاپیش با امام در میان می گذارد.

نکته دوم شیفتگی و عطش عجیب هشام برای کسب آگاهی و دانش و بینش افزونتر است، بطوری که در این راه از پای نمی نشیند و از هر فرصتی بهره می برد، و اینکه او پس از درماندگی در پاسخ پرسشهای امام، دیدارها را تازه می کند و در دیدار نهایی پیش از امام به معاد می شتابد، جلوه روشنی از شور و شوق فراوان اوست.

نکته دیگر، عظمت شخصیت امام صادق (ع) است چنانکه هشام در برابر آن، خود را می بازد و اندوخته های علمی خویش را از یاد می برد و بازبان چشم و نگاههای مجذوب توأم با احترام به کوچکی خود در برابر عظمت آن پیشوای بزرگ اعتراض راف می کند.

باری جذبه معنوی آن دیدار، کار خود را کرد و مسیر زندگی هشام را دگرگون

ساخت و از آن روز هشام به مکتب پیشوای ششم پیوست و افکار گذشته را رها ساخت و در این مکتب چنان درخشید که گوی سبقت را از یاران آن حضرت ربود.

تالیفات هشام

هشام در پرتو بهره‌های علمی فراوانی که از مکتب امام ششم (ع) برد، به‌زودی مراحل عالی علمی را پیمود و در گسترش مبانی تشیع و دفاع از حریم آیین مذهب کوشش‌اکرد و در این زمینه میراث علمی بزرگی از خود به‌یادگار گذاشت. توجه به فهرست آثار و کتابهای او که بالغ بر ۳۰ جلد است روشنگر عظمت علمی و حجم بزرگ کارهای او به شمار می‌رود. اینک اسامی تالیفات او، در زمینه‌های مختلف

- ۱- کتاب امامت
- ۲- دلایل حدوث اشیاء
- ۳- رد برزنادقه
- ۴- رد بر ثنویه (دوگانه برستی)
- ۵- کتاب توحید
- ۶- رد بر هشام جوالبی
- ۷- رد بر طبیعیون
- ۸- بصر و جوان
- ۹- تدبیر در توحید ۵
- ۱۰- میزان
- ۱۱- میدان
- ۱۲- رد بر کسی که بر امامت مفضول اعتقاد دارد
- ۱۳- اختلاف مردم در امامت
- ۱۴- وصیت و رد بر منکران آن
- ۱۵- جبر و قدر
- ۱۶- حکمین
- ۱۷- رد بر معتزله در مورد طلحه و زبیر
- ۱۸- قدر
- ۱۹- الفاظ
- ۲۰- معرفت (شناخت)
- ۲۱- استطاعت
- ۲۲- هشت باب
- ۲۳- رد بر شیطان طارق
- ۲۴- چگونه فتح باب اخبار می‌شود
- ۲۵- رد بر ارسطاطالین در توحید
- ۲۶- رد بر معتزله ۶
- ۲۷- مجالس درباره امامت
- ۲۸- علل تحريم
- ۲۹- فرائض (ارت) ۷

علاوه بر اینها او "اصلی" جمع‌آوری کرده بود که مرحوم شیخ طوسی در فهرست خود، از آن نام برده است.^۸

- ۱- ضحی الاسلام ج ۲ ص ۵۴
- ۲- هشام بن الحکم ص ۱۳
- ۳- با توجه به اینکه حیره یکی از شهرهای عراق بوده و هشام در کوفه سکونت داشته است گویا این دیدارها در یکی از سفرهای امام صادق (ع) به عراق، صورت گرفته است.
- ۴- رجال کشی ص ۲۵۶ - هشام بن حکم - سیداحمد صفائی ص ۱۵
- ۵- این کتاب را یکی از شاگردان هشام بنام "غلی بن منصور" با استفاده از بحثهای هشام گردآورده است.
- ۶- فهرست ابن ندیم ص ۲۶۴ - تأسیس الشیعه ص ۳۶۱ - فهرست شیخ طوسی ص ۳۵۵ نجاشی ص ۳۰۴
- ۷- مدرک اخیر
- ۸- ص ۳۵۵ مقصود از "اصل" در اصطلاح رجال نویسان کتابی است که مولف آن، روایات را مستقیماً یا با یک واسطه از معصوم نقل کند.

تقیه: مردیاجبر است...

... آیا بهتر نیست رسانه‌های گروهی بجای چاپ کردن عکسهای لخت و رنگی چند هنرپیشه بفکر ارشاد و تنویر افکار جوانان باشند. مطبوعات چهارشنبه ۳۰ فروردین ۵۷

تقیه: موارد و جرحه تقیه...

امکان پدیراست، و تنها راه پیشگیری از کجرویها، آگاهی خود شخص است از یک سو، و آگاهی جامعه است از سوی دیگر.

آگاهی خود شخص برای اینکه گرفتار اشتباه نشود. و آگاهی جامعه برای اینکه اجازه چنین سوء استفاده هاراندهد. (بخواست خدا در بحث آیتده

قسمت چهارم تقیه" سازنده یعنی (تقیه تحبیبی" توضیح داده خواهد شد) ۱- وسائل الشیعه ابواب امر بفرهوف باب ۲۸ حدیث ۴ ۴۹۱

بعقیده من رسانه‌های گروهی نیز در انحراف این قبیل جوانان که جنایتکار و جانی و دزد از مادر زاده نشده اند بی‌تاثیر نیستند مثلاً عکسهای لخت و رنگی روی جلد و داخل مجلات و نیز آگهی‌های تبلیغاتی رنگی در صفحات روزنامه‌ها و مجلات نقش موثری در امر به براهه کشاندن جوانان تشنه شهوت دارند.

در نتیجه در صفحات همین روزنامه‌ها و مجلات می‌خوانیم که زن و شوهری توسط چند جوان کشته شدند و سال هیجدهم - شماره ۷